

غلام رسول محسنی

اصلاح جامعه یکی از امور مهم در حوزه دین است، راهکارهای قرآن در این باره چیست؟

چکیده:

عصری که در آن زندگی می کنیم، عصر پیشرفت علم، صنعت و فناوری است که تحوّل بزرگی در زندگی بشر به وجود آورده است. در جهان امروز، تحولات حیرت انگیزی در برنامه های زندگی روی داده است و از چند قرن پیش به این طرف - که دامنه علم و دانش، وسعتی فوق العاده پیدا کرده - علوم طبیعی، بسیاری از مشکلات زندگی مادی را حل کرده است ولی متأسفانه، دوجیز خطر ناک از آن بر جا مانده است که یکی ابزارهای مخرب و دیگری ضعف بنیادهای اخلاقی به وجود آمده که موجب نگرانی و اضطراب مردم جهان شده است.

بشر امروز، از خدای خود دور مانده، وضع اخلاق و وجدانش تنزل یافته و معنویت از زندگی او رخت بر بسته است. این بی توجهی به اخلاق و سازندگی اخلاقی، نه تنها در جوامع غرب، بلکه حتی در میان جوامع اسلامی نیز یک گرفتاری مشهود است! به نظر می رسد که تمامی این نابه سامانی ها در جهان، به دلیل این است که انسانیت و اخلاق فاضله انسانی، در مسلخ تمدن جدید، قربانی شده اند و اصول و موازینی که لازمه حیات سالم انسانی هستند، به دست فراموشی سپرده شده اند. از آیات فراوان قرآن، چنین بر می آید که مهم ترین هدف بعثت انبیا و حتی راز بعثت پیامبر خاتم(ص)، هدایت مردم، اصلاح و تهذیب اخلاق آنهاست.^۱

قرآن برای جلوگیری از رذایل اخلاقی و مصون ماندن کیان فرد و جامعه اسلامی از انحطاط و سقوط، چاره اندیشی کرده است و با تهدید و تشویق، ملت ها را به سوی کسب اخلاق حسنه، سوق داده است و با اشاره به خاستگاه های اخلاق، راه های ایجاد فضایل و ترک رذایل را پیش پای انسان قرار داده است. دقت در قرآن، نشان می دهد که بیشتر آیات آن، مربوط به تهذیب نفس (خودسازی) و آراستگی، و اصلاح انسان به فضایل است.

^۱. جمعه، ۲.

واژه های کلیدی: قرآن، اصلاح، اخلاق، انسان، جامعه و...

مفهوم اصلاحات

«اصلاحات» جمع «اصلاح» است. برای واژه «اصلاح» معانی متعددی ذکر کرده اند از جمله: به صلاح آوردن و نیکو کردن، درست کردن، التیام دادن، بسامان آوردن، سر و سامان دادن.^۲ به کردن، نیک کردن، سازش دادن، آرایش دادن صورت و موی سر و...^۳.

اهمیت اصلاحات

«اصلاح» و «اصلاح طلبی» از دیدگاه منابع اسلامی در ذات دین قرار دارد و از ارکان هویت دینی است.^۴ اصلاح از طریق تطبیق شرایط زندگی با ارزش های دین، در هر عصری حاصل می شود؛ بنابراین بزرگترین مصلحان جهان پیامبران هستند که طریقه صحیح زندگی را به انسان می آموزند؛ علی(علیه السلام) می فرماید: «خداوند پیامبران خود را مبعوث فرمود و هر چند گاه، متناسب با خواسته های انسان ها، رسولان خود را پی در پی اعزام کرد تا وفاداری به پیمان فطرت را از آنان باز جوید و نعمت های فراموش شده را به یاد آورند و با ابلاغ احکام الهی حجت را بر آنها تمام نمایند.»^۵ لذا از دیدگاه اسلام و قرآن اصلاح طلب باید در خط انبیا و با تمسک به تعالیم آنان و کتاب الهی به اصلاح جامعه بپردازد. قرآن کریم می فرماید: «ما اجر اصلاح طلبانی را که با تمسک به کتاب خدا و به پاداشتن نماز در جامعه به اصلاح طلبی می پردازند ضایع نخواهیم کرد.»^۶

در اصلاحات باید به این نکته توجه داشت که اصلاح گری که می خواهد دیگران و جامعه را به قانون گرایی فراخواند باید ابتدا خود به قانون عمل کند و از خود شروع کند - اعم از خود فردی یا خود گروهی و اجتماعی؛ زیرا در غیر این صورت سخن او در دیگران اثر نخواهد داشت، امام علی(علیه السلام) می فرماید:

^۲. لغت نامه دهخدا، ج ۲، ص ۲۸۰۳، واژه اصلاح.

^۳. فرهنگ فارسی دکتر محمد معین، ج ۱، ص ۲۹۳، واژه اصلاح.

^۴. ر.ک: نهج البلاغه، حکمت ۴۲۳ و ۸۹، نامه ۳۱.

^۵. همان، خطبه اول.

^۶. اعراف/ ۱۷۰.

در شگفتی از کسی که دست به اصلاح مردمان می زند و خود کانون مفسد است، برای اصلاح خود اقدام نمی کند و به اصلاح دیگران می پردازد.^۷

اگر اصلاح طلبی از مسیر الهی خارج شود، از دیدگاه قرآن افساد است؛ زیرا هر تحولی را نمی توان در جهت صلاح جامعه و افراد به حساب آورد؛ چه بسا برخی تغییر و تحولات ظاهراً مفید به نظر آید؛ اما در واقع ریشه دین و اعتقادات را می خشکاند و موجبات فساد و تباهی جامعه را فراهم می آورد. می توان گفت این گونه تحولات فقط عنوان اصلاح را با خود یدک می کشد. مرحوم طبرسی در ذیل آیه ۱۱ بقره می فرماید: «وقتی به منافقان گفته شود با ارتکاب گناه و جلوگیری مردم از گرایش به ایمان و اسلام یا به کمک و مساعدت کفار یا با تغییر دین و تحریف کتاب در زمین فساد نکنید اینان می گویند تنها ما هستیم که اصلاحات بدست ما انجام می گیرد.^۸

راهکارهای اصلاحات

انبیای الهی (علیهم السلام) برای هدایت و اصلاح انسان ها رنج های طاقت فرسایی را متحمل شدند و در این راه از هیچ تلاش و کوششی دریغ نورزیدند، پیامبران (علیهم السلام) برای اصلاح مردم از روش ها و راهکارهایی استفاده می کردند که این ها را می توان در حوزه های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... دسته بندی کرد که به چند مورد از آنها اشاره می شود:

یکم: حوزه اعتقاد

اعتقاد در انسان از امور مهم و ارکانی است که انسان را یا به سوی هدایت و رستگاری و خدا خواهی می کشاند و یا او را به سوی ضلالت و گمراهی برده که بر خلاف توحید و یگانه پرستی، به سرانجام ناگواری مواجه می گردد. اینک به نمونه ای از راهکارها و روش های اصلاح در حوزه اعتقاد اشاره می گردد.

أ) تذکر دادن

^۷ نهج البلاغه، ص ۴۵۰، به نقل از کتاب نقد، شماره ۱۶، مقاله اصلاحات شفاف، محمد حکیم پور، ص ۵۲.

^۸ تفسر مجمع البیان، ج ۱، ص ۹۷.

خداشناسی و خدا پرستی امری است فطری، اما مغفول عنه واقع می شود. بسیاری از چیزها را عقل مردم درک می کند؛ اما این عقل زیر خروارها خاک و سنگِ هوای نفسانی مدفون می شود، کار پیامبران این است که به وسیله تذکر دادن، عقل های مدفون شده را برانگیزانند: «وَيَحْتَجُّوا عَلَيْهِم بِالتَّبْلِيغِ، وَيُثِرُوا لَهُم دَفَائِنِ الْعُقُولِ»^۹ و از راه تبلیغ و با ایشان گفتگو نمایند (با برهان سخن بگویند) و عقل های پنهان شده را بیرون آورده به کار اندازند. قرآن کریم می فرماید: «ذَكَرْ فَإِنَّ الذِّكْرَ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ»^{۱۰} (ای پیامبر جهت هدایت) تذکر بدهید؛ زیرا تذکر نفعی به حال مؤمنان دارد. مهم ترین اموری که پیامبران (علیهم السلام) مورد یادآوری و تذکر قرار می دادند عبارتند از:

۱. یاد خدا

یاد خدای تعالی نقش به سزایی در اصلاح انسان و جامعه دارد، که اگر شیطان انسان را وسوسه کرد متذکر شویم و از خدا کمک بگیریم؛ قرآن می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُم مُّبْصِرُونَ»؛ پرهیزگاران که گرفتار وسوسه های شیطان می شوند، به یاد (خدا و پاداش و کیفر او) می افتند؛ و (در پرتو یاد او، راه حق را می بینند و) ناگهان بینا می گردند.^{۱۱} معنای این آیه شریفه این است که در موقع مداخله شیطان به خدا پناه ببر، زیرا این روش، روش پرهیزگاران است که وقتی شیطان نزدیکشان می شود به یاد این می افتند که پروردگارشان خداوند است که مالک و مربی ایشان است و همه امور ایشان بدست اوست، پس چه بهتر که به خود او مراجعه نموده و به او پناه ببریم، خداوند هم شر شیطان را از این یادآوری دفع نموده و هم پرده غفلت را از ایشان برطرف می سازد، و بینا می گردانند.^{۱۲}

۲. توجه به معاد

^۹. نهج البلاغه، فیض الاسلام، ج ۱ - ۶، ص ۳۳ - ۳۴.

^{۱۰}. ذاریات، ۵۵.

^{۱۱}. اعراف/ ۲۰۱.

^{۱۲}. علامه طباطبائی، المیزان، ج ۸، ص ۴۹۸، ذیل آیه ۲۰۱ اعراف.

قرآن کریم انسان ها را به سوی معاد و یاد روز رستاخیز و حساب و کتاب دعوت می نماید.^{۱۳} توجه به این مطلب که اعمال نیک و بد آدمی در نظام هستی او باقی می ماند و در روز قیامت مورد حسابرسی قرار می گیرد، نقش بسزایی در اصلاح جامعه انسانی دارد. «يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ...؛ روزی که هر کس، آنچه را از کار نیک انجام داده، حاضر می بیند؛ و آرزو می کند میان آنچه از اعمال بد انجام داده فاصله زمانی زیادی باشد.»^{۱۴}

و «يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ * وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ * وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ * لِكُلِّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُّغْنِيهِ؛ در آن روز که انسان از برادر خود می گریزد و از مادر و پدرش، و زن و فرزندانش در آن روز هر کدام از آنها وضعی دارد که او را کاملاً به خود مشغول می سازد».^{۱۵} قرآن کریم اینها را بیان می کند تا انسان به اصلاح خود بپردازد و توشه ای را برای آن روز هولناک آماده کند.

ب) توجه به کرامت انسان

یکی از روش ها و راهکارهای اصلاح جامعه انسانی و افراد آن، توجه دادن به کرامت های انسانی است؛ چون انسان خلیفه خدا و مسجود فرشتگان می باشد خداوند همه چیز را برای او آفریده و تحت تسخیر او قرار داده چنان که قرآن کریم می فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ... وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا؛ ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم؛... و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده ایم، برتری بخشیدیم».^{۱۶} بنابراین اگر انسان آن جایگاه انسانی و کرامت های خدادادی را شناخت، هیچ گاه به گناه و فساد نمی گراید و به سوی صلاح و کرامت های انسانی روی می آورد.

ج) توجه به عرض اعمال

یکی از معتقدات اسلامی که نقش به سزایی در اصلاح جامعه و کنترل و باز دارندگی افراد از گناه دارد، توجه به «عرض اعمال بر پیشوایان بزرگ» است: «وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ اِلَيَّ

^{۱۳}. گناه شناسی، محسن قرائتی، ص ۲۶۴.

^{۱۴}. آل عمران / ۳۰.

^{۱۵}. عبس / ۳۴ - ۳۷.

^{۱۶}. اسراء / ۷۰.

عَلِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ؛ بگو: عمل کنید! خداوند و فرستاده او و مؤمنان، اعمال شما را می بینند. و به زودی، به سوی دانای نهان و آشکار، بازگردانده می شوید و شما را به آنچه عمل می کردید، خبر می دهد.^{۱۷} توجه به عرضه اعمال انسان نزد خداوند و فرستاده ی او، سبب می شود که افراد جامعه دست به اعمالی نزنند که موجب شرمندگی نزد خدا و رسولش و پشیمانی در روز قیامت گردد..

(د) انذار

طبیعت بعضی از انسان ها به گونه ای است که اگر بدانند تخلف از قوانین و مقررات، جریمه ای را به دنبال ندارد و یا جریمه ای بسیار اندک دارد، به راحتی قانون را زیر پا می گذارند و از آن تخلف می کنند؛ لذا قانون گذاران سعی می کنند جریمه ها را طوری قرار دهند که تخلف از قانون به راحتی صورت نگیرد؛ بنابراین قرار دادن جریمه سنگین برای تخلفات خود نوعی بازدارندگی از تخلف دارد. انبیا(علیهم السلام) هم از این نکته روانشناسی استفاده کرده و بیان نموده اند که تخلف از قوانین الهی هزینه ای بسیار سنگین دارد که علاوه بر این که در این دنیا آثاری دارد، آثار مهم تر آن در قیامت است.

آثار دنیوی گناه، مانند عذاب هایی که بر اقوام مفسد گذشته نازل شد: «آری، سرانجام) همگی [قوم نوح] به خاطر گناهانشان غرق شدند».^{۱۸} «از این رو پروردگارشان آنها (قوم ثمود) را به خاطر گناهشان در هم کوبید و با خاک یکسان و صاف کرد».^{۱۹} این اقوام، از گروه ها و افراد جامعه ای بودند که به انذار فرستادگان الهی گوش نداده و سرانجام به عذاب سخت خداوند گرفتار شدند.

(ه) بشارت

یکی دیگر از شیوه ها و راهکار های که پیامبران(علیهم السلام) برای اصلاح مردم از آن استفاده می کردند «بشارت» است. بشارت به نتایج خوب اعمال نیک و نیز بشارت به مهربانی و لطف بی پایان الهی مردم را به انجام اعمال نیک و نیز بازگشت به درگاه الهی و دست برداشتن از اشتباهات گذشته تشویق می کند.

^{۱۷}. توبه / ۱۰۵.

^{۱۸}. نوح / ۲۵.

^{۱۹}. شمس / ۱۴.

بشارت و انذار بخش مهمی از انگیزه های تربیتی و حرکت های اجتماعی را تشکیل می دهد، آدمی هم باید در برابر انجام کار نیک تشویق و بشارت شود و هم در برابر کار بد توبیخ و انذار شود تا آمادگی بیشتری برای پیمودن مسیر اول و گام گذاردن در مسیر دوم پیدا کند. تشویق و یا تنبیه بتهنایی برای رسیدن به تکامل فرد یا جامعه کافی نیست؛ زیرا انسان در این صورت مطمئن است انجام گناه خطری برای او ندارد. و همچنین توبیخ و انذار بیش از اندازه باشد، نتیجه یأس و نومیدی و خاموش شدن شعله تحرک است. از این جهت است که بشارت و انذار در کنار هم قرار گرفته، گاهی بشارت مقدم و گاهی انذار مقدم است: «إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا؛ ما ترا به حق برای بشارت و انذار فرستادم»^{۲۰} گاهی بر عکس، نذیر بر بشارت مقدم است: «إِنِّ إِلَّا نَذِيرٌ وَ بَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ؛ من بیم دهنده و بشارت دهنده ام برای افرادی که ایمان می آورند»^{۲۱} از نمونه ی بشارت:

ا- بشارت به بهشت و نعمت های الهی

از مواردی که بشارت به بهشت و نعمت های آن داده شده است، بندگی و اعمال صالح است، بندگی کردن و عمل صالح انجام دادن انسان را در شمار بهره‌مندان از بشارت الهی قرار می‌دهد: «ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهَ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ...»؛ این همان چیزی است که خداوند بندگان را که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند به آن نوید می‌دهد»^{۲۲}

دو صفت دیگری که انسان‌های مؤمن را از بشارت الهی بهره‌مند می‌کند، هجرت و جهاد در راه خداست: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْثَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ؛ بَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَ...»^{۲۳} ؛ آنها که ایمان آوردند، و هجرت کردند، و با اموال و جانهایشان در راه خدا جهاد نمودند، مقامشان نزد خدا برتر است؛ و آنها پیروز و رستگارند. پروردگارشان آنها را به رحمتی از ناحیه خود، و... بشارت می‌دهد.

^{۲۰} بقره، ۱۱۹.

^{۲۱} اعراف، ۱۸۸.

^{۲۲} قرنتی، تفسیر نور، ج ۱۰، ص ۳۹۷.

^{۲۳} شوری، ۲۳.

^{۲۴} محمد جواد نجفی، تفسیر آسان، ج ۶، ص ۲۲۱.

^{۲۵} توبه، ۲۱ و ۲۲.

در این آیه کسانی را که در راه خدا جهاد و هجرت می‌کنند، رستگار خوانده و از سیاق آیه برمی‌آید که رحمت، رضوان و جنتی که می‌شمارد، بیان همان رستگاری است که در عبارت «أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ» ذکر شده که در اینجا به طور تفصیل و با زبان بشارت و نوید بیان شده است.^{۲۶}

ب) بشارت به آمرزش خدای تعالی

در قرآن کریم، ذات پاک خدا، ۹۱ بار به عنوان «غفور» (بسیار آمرزنده) و ۵ بار به عنوان «غفار» (بسیاربخشنده) یاد شده است. و بیش از ۸۰ بار سخن از توبه و بازگشت به سوی خدا و قبولی توبه به میان آمده است.^{۲۷} که ما به ذکر چند آیه بسنده می‌کنیم:

«و آنها که وقتی مرتکب عمل زشتی شوند، یا به خود ستم کنند، به یاد خدا می‌افتند؛ و برای گناهان خود، طلب آمرزش می‌کنند و کیست جز خدا که گناهان را ببخشد؟...»^{۲۸} و «بگو: ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده اید! از رحمت خداوند نومید نشوید که خدا همه گناهان را می‌آمرزد، زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است.»^{۲۹} و «و هنگامی که بندگان من، از تو درباره من سؤال کنند، (بگو:) من نزدیکم دعای دعا کننده را، به هنگامی که مرا می‌خواند، پاسخ می‌گویم. پس باید دعوت مرا بپذیرند، و به من ایمان بیاورند، تا راه یابند (و به مقصد برسند)».^{۳۰} بنا بر این، بشارت یکی از راهکارهای است که فرستادگان الهی از این شیوه برای اصلاح جامعه بکار برده اند.

دوم: سیاست

پس از راهکارها و شیوه های اعتقادی، راهکار دیگر برای اصلاح جامعه، راهکارهای اجتماعی و سیاسی است که به نمونه های از آن اشاره می شود.

أ) حکومت

^{۲۶} علامه طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۲۰۶.

^{۲۷} گناه شناسی، محسن قرائتی، ص ۳۰۰.

^{۲۸} آل عمران / ۱۳۵.

^{۲۹} زمر / ۵۳.

^{۳۰} بقره / ۱۸۶.

حکومت از مهم ترین وسیله و راهکار برای اصلاح جامعه و افراد آن است؛ زیرا اجرای بسیاری از احکام اسلامی که باعث دوری جامعه از ناهنجاریها می شود حکومت است، و باید قدرت و امکاناتی در اختیار داشت تا بتوان آن احکام را در جامعه اجرا نمود.

امام علی (علیه السلام) پس از بیعت مردم با او و رسیدن به قدرت سیاسی بلافاصله اصلاحات حکومتی را با شعار عدالت اجتماعی آغاز کرد، او فلسفه پذیرش حکومت را ایجاد اصلاحات اعلام کرده و می فرماید: خدایا تو می دانی که جنگ و درگیری ما، برای بدست آوردن قدرت و حکومت و دنیا و ثروت نبود، بلکه می خواستم نشانه های حق و دین تو را به جایگاه خویش بازگردانم و در سرزمینهای تو اصلاح را ظاهر کنم تا بندگان ستمدیده ات در امن و امان زندگی کنند، و قوانین و مقررات فراموش شده تو بار دیگر اجرا گردد.^{۳۱}

حضرت یوسف (علیه السلام) هنگامی که عزیز مصر به عقل و درایت او پی برد و او را امین و مورد اعتماد دانست، حضرت پیشنهاد کرد که خزانه دار کشور مصر باشد و گفت: «مرا سرپرست خزاین سرزمین (مصر) قرار ده، که نگهدارنده و آگاهم»^{۳۲} یوسف (علیه السلام) می دانست که با در دست گرفتن این مسئولیت که شایستگی آن را دارد؛ می تواند بسیاری از مشکلات و نابسامانی های آن جامعه مملو از ظلم و ستم را از بین ببرد و به یاری مستضعفان بشتابد، از تبعیض ها تا آنجا که قدرت دارد بکاهد، حق مظلومان را از ظالمان بگیرد، و به وضع بی سر و سامان آن کشور پهناور سامان بخشد.^{۳۳}

ب) مبارزه با فساد

یکی دیگر از راهکارهای اجتماعی و سیاسی اصلاح جامعه مبارزه با فساد است. از جمله اموری که پیامبران برای اصلاح جوامع به کار بردند مبارزه عملی با فسادهایی بود که در زمان خودشان رایج بوده است. آن طور که از قرآن کریم استفاده می شود هر یک از اقوامی که پیامبری برایشان مبعوث می شد، فساد یا فسادهای خاصی در میان آنها رواج داشت.

^{۳۱}. نهج البلاغه، خ ۱۳۱.

^{۳۲}. یوسف / ۵۵.

^{۳۳}. تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۵.

و در کنار دعوت به توحید، هر پیامبری بر مفسده رایج در زمان خودش بیشتر تکیه می کرده است، مثلاً هر جا داستان حضرت شعیب (علیه السلام) ذکر می شود مسأله «وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ»^{۳۴} و با ترازوی درست وزن کنید.» «وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ»^{۳۵} و از اموال مردم چیزی نکاهید.» کنارش ذکر می شود؛ چون نحوه فساد در این دوره مسأله کم فروشی بود؛ لذا حضرت شعیب پیامبر با این فساد اجتماعی مبارزه کرده و مردم را به سوی صلاح عوت می کرد.

یا حضرت لوط پیامبر وقتی مبعوث شد فساد لواط در زمان ایشان شایع شده بود که حضرت با آن مبارزه کرد: «وَلَوْطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ * إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ الْنِسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ»^{۳۶} و (به خاطر آورید) لوط را، هنگامی که به قوم خود گفت: «آیا عمل بسیار زشتی را انجام می دهید که هیچ یک از جهانیان، پیش از شما انجام نداده است. آیا شما از روی شهوت به جای زنان به سراغ مردان می روید؟! شما گروه اسرافکار (و منحرفی) هستید.

سوم: حوزه اقتصاد

یکی از مشکلات عمده جوامع، مشکل فاصله طبقاتی است به این معنا که فقر و بیچارگی و تهیدستی در یک طرف و تراکم اموال در طرف دیگر قرار گیرد، عده ای آن قدر ثروت بپندوزند که حساب اموالشان را نتوانند داشته باشند و عده ای دیگر از فقر و تهیدستی رنج برند به طوری که تهیه لوازم ضروری زندگی از قبیل غذا و مسکن و لباس ساده برای آنان ممکن نباشد. از نگاه قرآن کریم برای حل این مشکل باید حق و حقوق یتیمان، بینوایان و در راه ماندگان و... را پرداخت، «كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ»^{۳۷} تا (دارایی) میان توانگران شما دست به دست نگردد.

^{۳۴}. اسراء / ۳۵.

^{۳۵}. اعراف / ۸۵.

^{۳۶}. اعراف / ۸۰ و ۸۱.

^{۳۷}. حشر / ۷.

بدیهی است جامعه ای که بخشی از آن بر پایه غنا و ثروت و بخش مهم دیگر آن بر فقر و گرسنگی بنا شود قابل دوام نبوده و هرگز به سعادت واقعی نخواهد رسید، در چنین جامعه ای دلهره و اضطراب و نگرانی و بدبینی و بالاخره دشمنی و جنگ اجتناب ناپذیر خواهد بود.

با اینکه دانشمندان و مکتب های اقتصادی جهان به فکر چاره حل این مشکل بزرگ اجتماعی بوده اند و هر کدام راهی را انتخاب کرده اند. «کمونیسم» از راه الغای مالکیت فردی و «سرمایه داری» از طریق گرفتن مالیات های سنگین و تشکیل مؤسسات عالم المنفعه (که به تشریفات بیشتر شبیه است تا به حل فاصله طبقاتی) به گمان خود به مبارزه با آن برخاسته اند ولی حقیقت این است که هیچ کدام نتوانسته اند گام مؤثری در این راه بردارند زیرا حل این مشکل با روح مادی گرایی که بر جهان حکومت می کند ممکن نیست. با دقت در آیات قرآن مجید آشکار می شود که یکی از اهداف اسلام این است که بی عدالتی های اجتماعی در میان طبقه غنی و ضعیف از بین برود و سطح زندگی کسانی که نمی توانند نیازمندی های زندگیشان را بدون کمک دیگران رفع کنند، بالا بیاید و حداقل لوازم زندگی را داشته باشند.

اسلام برای رسیدن به این هدف برنامه وسیعی را در نظر گرفته است: تحریم رباخواری به طور مطلق، وجوب پرداخت مالیات های اسلامی از قبیل زکات و خمس و مانند آنها، تشویق به انفاق، وقف و قرض الحسنه و کمک های مختلف مالی قسمتی از این برنامه را تشکیل می دهد.^{۳۸} همه این راهکار های ارائه شده و همراه با نظارت مدیریت اسلامی، جامعه را به سوی اصلاح و سعادت می برد.

نکته پایانی

با توجه به تمامی این بسترسازی ها و زمینه ها برای اصلاح، چرا بسیاری از جوامع اصلاح نشدند و جز عده اندکی ایمان نیاوردند؟ در جواب می توان به این آیه اشاره کرد که: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»^{۳۹} در حقیقت، خدا حال قومی را تغییر نمی دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند». بر مبنای این اصل مهم هر گونه تغییری در سرنوشت انسان ها و اصلاح یا انحطاط جوامع منوط به خواست و اراده افراد آن

^{۳۸}. تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۲۳۲، ذیل آیه ۲۶۱ بقره؛ همچنین اقتباس از مقاله روشهای اصلاحات در قرآن، پایگاه اطلاع رسانی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

^{۳۹}. رعد/ ۱۱.

جوامع است. افراد یک اجتماع زمانی به طور کامل اصلاح می شوند که براساس اراده و گزینش و کنش اختیاری خود بتوانند از شرایط محیطی که به برکت حاکمانی عادل و الهی و قوانین و احکام والای اسلام به وجود آمده، استفاده کنند و راه تعالی و تکامل خود را در پیش گیرند؛ بنابراین وجود حاکمان الهی و سایر شرایط (قوانین اسلامی، تأمین نیازهای مادی، رفاه و امنیت و...) هر چند در روند تکاملی و اصلاح جامعه امری ضروری و لازم است؛ اما به هیچ وجه کافی نیست. در طول تاریخ با این که پیشوایان الهی مانند: پیامبر اکرم و ائمه اطهار (علیهم السلام) در جامعه بوده اند و تمام شرایط و زمینه های رشد و تعالی برای مردم فراهم بوده است؛ اما چون همه افراد آن جامعه به چنان درک و شناخت عمیق نرسیده بودند اصلاح کامل و فراگیر در جامعه محقق نشد ..

نتیجه

جامعه انسانی در میان پدیده های نظام هستی از با ارزشترین مجموعه پدیده های هستی است که در راه سعادت و به کمال رسیدن آن راهکارهای خاصی را باید به کار گرفت. بر اساس مبانی دینی و شیوه های تبیینی قرآن کریم، راهکارهای اصلاحی را در جامعه ارائه داده است. از آنجای که جامعه انسانی در راه رسیدن به سعادت، هم نیاز به راهکارهای اصلاحی دنیایی دارد؛ تا بر اساس مدینه فاضله در دنیا از مواهب الهی بهره مند گردند. و از سوی دیگر، به راهکاری اصلاحی اخروی نیز نیاز دارد تا بر مبنای اخلاق فاضله به سوی بهشت جاویدان الهی رهسپار گردد. از این رو است که راهکارهای قرآن کریم در این باره هم تشویقی و بشارتی است و از هم باب انذار و توبیخی می باشد که به نمونه های از آن اشاره شد.

حدیث: « امام علی علیه السلام: مِنْ كَمَالِ السَّعَادَةِ السَّعْيُ فِي صَلَاحِ الْجُمْهُورِ؛ کوشش در راه اصلاح توده مردم، از کمال خوشبختی است. [غررالحکم، ح ۹۳۶۱]

منابع مطالعه:

۱. تفسیر موضوعی قرآن مجید، ج ۹، (سیره پیامبر اکرم (ص) در قرآن) جوادی آملی، عبدالله، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۷۵ش.

۲. مجموعه آثار، شهید مطهری، ج ۱، ص ۱۶۰ تا ص ۲۵۰، انتشارات صدرا، تهران.

۳. معارف اسلامی، جمعی از نویسندگان، نشر سازمان تدوین کتب دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۶.

منابع:

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. تفسیر مجمع البیان، فضل بن حسن طبرسی، انتشارات ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲ ش.

۲. تفسیر نمونه، مکارم شیرازی و همکاران، دارالکتب اسلامی، قم، ۱۳۷۷ ش

۳. تفسیر نور، محسن قرائتی، مرکز نشر فرهنگی درسهای از قرآن، تهران، ۱۳۸۳.

۴. تفسیر آسان، محمد جواد نجفی خمینی، اسلامی، تهران، ۱۳۷۸.

۵. روش های اصلاحات در قرآن کریم» (مقاله) سید محمد اسماعیلی، پایگاه اطلاع رسانی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم.

۶. فرهنگ فارسی معین، محمد معین، ناشر: فرهنگ نما، کتاب آراد، تهران، ۱۳۸۷ ش.

۷. کتاب نقد، شماره ۱۶، مقاله اصلاحات شفاف، محمد حکیم پور، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم،

۸. گناه شناسی، حجه الاسلام محسن قرائتی، نشر دانش، تهران، ۱۳۷۹ ش.

۹. لغت نامه دهخدا، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی. مشخصات نشر، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.

۱۰. المیزان، ترجمه موسوی همدانی، دفتر نشر اسلامی، جامعه مدرسین قم، ۱۳۸۵ ش.